

*****پاسخ ها صرفاً بر اساس نظر اینجانب میباشد و از قضا مصون نمیشد*****

سوال ۱:

طبق ماده ۱۲۴۲ صلح دعاوی مولی علیه ازجانب قییم صرف نظر از نوع مال(منقول یا غیرمنقول) در هرصورت متی در صورت رعایت غبطه مولی علیه(نیاز به تصویب دادستان دارد)

سوال ۲:

طبق طبق کتاب قواعد عمومی قراردادهای دکتر کاتوزیان جلد ۴ (چاپ هفتم ۱۳۹۲) شماره ۸۲۰ و ماشیه ۷ ماده ۲۲۷ نظم کنونی دکتر کاتوزیان: شرط طبق ماده ۱۰ قانون مدنی صمیح است و هیچ گونه ممنوعیتی برای چنین شرطی در قانون مدنی وجود ندارد و مخالف نظم عمومی هم نیست

سوال ۳:

طبق کتاب قواعد عمومی قراردادهای دکتر کاتوزیان جلد ۴ قسمت افیر شماره ۷۰۵ و ماشیه ۳ ماده ۲۶۹ نظم کنونی: چون شفص بابت وفای عهد دین متعلق به خودش وجه را پرداخته به صرف نداشتن اهلیت نمیتوان وجه پرداختی را پس گرفت مگر اینکه به زیان مجبور بوده باشد درمالی که در این سوال قیدی مبنی بر زیان مجبور وجود ندارد و بنابراین پاسخ سوال این میشود که وجه پرداخت شده قابل استرداد نیست.

سوال ۴:

با توجه به تعهد یک ماهه در متن سوال دین در اینجا از نوع کلی فی الذمه است و در نتیجه ارتباطی با ماده ۳۵۳ که مقتص بیع عین معین است ندارد و مشتری بدو مق فسخ ندارد و باید فروشنده را به اجری عین قرارداد تمویل ۲ کیلو طلا ملزم کند و اگر الزام فروشنده ممکن نبود فریدار مق فسخ بیع را به استناد فیار تعذر تسلیم دارد(نه تبعض صفقه)

سوال ۵:

طبق ماده ۲۵۹ و ۲۶۱ شرط ضمان فریدار این است که مال به تصرف متعامل(فریدار) داده شده باشد. بنابراین اگر مال به تصرف فریدار داده نشده باشد هیچ گونه مسئولیتی ندارد و غاصب محسوب نمیشود

هرچند قرارداد هم منعقد کرده باشد(غاصب کسی است که بر مق غیر استیلا(تصرف)یابد. بنابراین چون مال قبل از قبض فریدار تلف شده بنابراین فریدار مسئولیتی ندارد و مالک برای قیمت عین و منافع فقط به فضول (مجموع کند)(مجموع کنید قواعد عمومی قراردادهای جلد دوم شماره ۳۷۲ و ۳۷۳)

سوال ۶:

طبق کتاب ضمان قهری دکتر کاتوزیان شماره ۵۷ بیعد: در تقصیر شرط مسئولیت این است که بین تقصیر و نتیجه ماصله از عمل مرتکب رابطه سببیت وجود داشته باشد و ارتباطی به آگاهی یا عدم آگاهی یا عمد و غیر عمد بودن عمل ندارد

سوال ۷:

طبق قواعد عمومی قراردادهای دکتر کاتوزیان جلد دوم چاپ هفتم ۱۳۹۲ شماره ۳۷۳ صفحه ۱۵۰: (در صورت علم فریدار به فضولی بودن معامله چون با فضول تبانی کرده در نتیجه اگر زانی در نتیجه رجوع مالک به او برسد فودش سبب آن شده است و مق (مجموع به فضول) که در کتاب قواعد عمومی در اثر اشتباه چایی فریدار ذکر شده) را ندارد یعنی برای ۴۰ میلیون اضافی که به مالک داده مق (مجموع به فضول) را ندارد و فقط میتواند برای ثمنی که پرداخت کرده به فضول (مجموع کند یعنی اون ۱۰ میلیون ریال

سوال ۸:

گزینه نادرست طبق ماده ۴۵۵ قانون مدنی این است: اگر مشتری مبیع را رهن بگذارد و بایع آن را فسخ کند رهن منمل شده و مشتری باید بدل آنرا در رهن بگذارد که طبق ماده ۴۵۵ رهن در صورت فسخ بیع منمل نمیشود

سوال ۹:

طبق ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده ثبت نکاح موقت الزامی نیست مگر در این ۳ مورد: شرط ضمن عقد یا باردار شدن زوجه یا توافق طرفین بر ثبت نکاح بوده باشد

سوال ۱۰:

طبق ماده ۱۱۵۶ و ۱۰۳۰ قانون مدنی زوجه با اینکه طلاق گرفته باید عده وفات نگهدارد و شوهر در صورت مضور در ایام عده مق رجوع دارد

سوال ۱۱:

در صورتی که وراثت متوفی فقط پدر و مادر او باشند یک سوم متعلق به مادر است زبق ماده ۹۰۳ و بقیه آن که میشود دو سوم متعلق به پدر است (در نتیجه در این فرض پدر دوبرابر مادر ارث میبرد) و نتیجه گزینه ای که گفته در صورتی که وراثت متوفی فقط پدر و مادر او باشند یک ششم به مادر و بقیه به پدر میرسد نادرست میباشد

سوال ۱۲:

(رجوع کنید به کتاب دوره مقدماتی عقود معین دکتر کاتوزیان جلد ۱ شماره ۱۱۵ صفحه ۱۰۳)

طبق ماده ۴۰۸ پس از تمقق مواله یعنی پس از قبول محال علیه مثل این است که فریدار ثمن را پرداخته است اما در اینجا مواله محقق نشده است و بنابراین فریدار کماکان نسبت به نصف ثمن معامله مدیون است و هنوز آن را پرداخت نکرده است و در نتیجه تمام شرایط فیار تأخیر ثمن فراهم نه بایع کامل مبیع رو تسلیم کرده - است (یعنی مبیع و ثمن هر دو مال هستند - مبیع عین معین است و نه فریدار کامل ثمن رو تأدیه کرده) در نتیجه بایع طبق ماده ۴۰۲ فیار تأخیر ثمن دارد و میتواند یا به استناد فیار تأخیر ثمن معامله را فسخ کند و یا استناد به مق مبیع خود فریدار را ملزم به تأدیه کند

سوال ۱۳:

(رجوع کنید به ماده ۱۴ و ۱۵ قانون روابط موجر و مستأجر سال ۵۶ در کتاب نظم کنونی صفحه ۳۷۱ تا

۳۷۳)

چون در سوال ذکر شده است ۱۳۷۵ پس مشمول قانون روابط موجر و مستأجر سال ۵۶ میشود نه در قانون روابط موجر و مستأجر سال ۵۶ ما مق کسب و پیشه. 76 قانون روابط موجر و مستأجر سال داریم نه سرقفلی، بنابراین این به رامت میفهمیم که دو گزینه که گفته سرقفلی جواب سوال نیستن، با توجه به ماده ۱۴ و ۱۵ قانون روابط موجر و مستأجر سال ۵۶ در میابیم که موجر به صرف انقضای مدت

مق تقاضای تفلیه ندارد و باید برای تقاضای تفلیه دلیل بیاورد مثل امتیاج شفصی برای تجارت یا سکنی

9

سوال ۱۴ :

چون وکیل اذن در توکیل داشته وکیل دوم وکیل موکل محسوب میشود و پرداخت مق الوکاله برعهده موکل است

سوال ۱۵ :

مجموع کنید به کتاب دوره مقدماتی عقود معین دکتر کاتوزیان جلد ۲ شماره ۲۴۲ صفحه ۲۴۸

یکی از مزایای رهن تجزیه ناپذیری آن در برابر پرداخت قسمتی از دین است و با پرداخت قسمتی از دین هرچند ما مرهون شبه هم باشند تا زمانی که دین تمام و کمال پرداخت نشود رهن آزاد نمیشود و تمام مال مرهون وثیقه هر جزء از دین است

سوال ۱۶ :

طبق ماده ۵۴۸ در مضاربه هم مثل مزارعه و مساقات تعیین سهم هرکدام از طرفین در منافع یعنی تعیین سود بصورت مشاعی شرط صحت عقد است

سوال ۱۷ :

طبق تبصره ۳ ماده ۴ قانون اوقاف اگر پس از ابلاغ کتبی سازمان اوقاف متولی وکیل را تغییر ندهد پس از ثبوت عدم توانایی در دادگاه وکیل از دفالت ممنوع میشود

سوال ۱۸ :

پس از انحلال شرکت چه بوسیله تقسیم و .. اشاعه از بین میرود و سهم هر یک مفروز میشود و هرکس میتواند هر تصرف حقوقی یا مادی که میخواهد در سهم خودش انجام دهد

سوال ۱۹:

طبق ماده ۸۱۷ مشتری ضامن درک است نه بایع و در نتیجه اون گزینه که گفته بایع ضامن درک است غلط است

سوال ۲۰:

فرزندان فرزند نامشروع شفص متوفی از او ارث نمیبرند،

چون فرزند نامشروع از متوفی ارث نمیبرد در نتیجه نوه های او هم که جانشین پدرشان هستند از او ارث نمیبرند

موفق و مؤید باشید

تمریری